

«تغییر» احکام



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: رومیان باب ۸ آیه ۱، باب ۷ آیات ۱۵ تا ۲۵؛ رومیان باب ۷ آیات ۱ تا ۱۴؛ یوحنا باب ۲۰ آیات ۱۹ تا ۲۳؛ اعمال رسولان باب ۲۰ آیات ۶ و ۷؛ دانیال باب ۷ آیات ۲۳ و ۲۵؛ مکاشفه یوحنا باب ۱۳ آیات ۱ تا ۱۷.

آیه حفظی: «و سخنان به ضدّ حضرت اعلی خواهد گفت و مقدّسان حضرت اعلی را ذلیل خواهد ساخت و قصد تبدیل نمودن زمانها و شرایع خواهد نمود و ایشان تا زمانی و دو زمان و نصف زمان به دست او تسلیم خواهند شد» (دانیال باب ۷ آیه ۲۵).

مسئله احکام خدا در مرکزیت درک ما از وقایع روزهای پایانی قرار دارد. بطور ویژه تر، مسئله فرمان چهارم، روز هفتم سبت می باشد. اگر چه ما درک می کنیم که نجات تنها از طریق ایمان است و اینکه نگه داشتن احکام از جمله سبت هرگز نمی تواند نجات را به همراه داشته باشد، متوجه می شویم که در روزهای پایانی، اطاعت از احکام خدا از جمله روز هفتم سبت نشانه ای ظاهری از وفاداری واقعی ما می باشد.

این تمایز بویژه در میان وقایع پایان زمان آشکار می شود که در باب ۱۳ و ۱۴ مکاشفه یوحنا به تصویر کشیده شده اند، زمانی که توده قدرتمندی از نیروهای مذهبی و سیاسی متحد خواهند شد تا نوع نادرستی از عبادت را بر ساکنان این جهان تحمیل نمایند. همه اینها در تضاد با مکاشفه یوحنا باب ۱۴ آیه ۷ می باشد، جایی که قوم خدا فراخوانده شده اند تا «او را که آسمان و زمین و دریا و چشمه ها را آفرید، پرستش نمایند»؛ یعنی پرستش تنها خالق و نه هیچ کس دیگر.

این هفته ما به احکام خدا بویژه روز سبت خواهیم پرداخت و به موضوعات مربوط به تلاش در تغییر آن فرمان و مفهومی برای ما که پایامان نزدیک است، اشاره خواهیم نمود.

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۱۲ مه آماده شوید.

وعده

یکی از بزرگترین وعده های کتاب مقدس در رومیان باب ۸ آیه ۱ یافت می شود: «پس دیگر برای کسانی که در اتحاد با مسیح عیسی به سر می برند هیچ محکومیتی وجود ندارد.» این سخنان به عنوان نوعی سنگ کتیبه هستند، نتیجه ای از سلسله افکاری که درست پیش از آن آمد، بیان می شوند. تنها با مطالعه آنچه پولس در قبل از این آیه می گوید، بهتر می توانیم امید و وعده موجود در آن را درک کنیم.

رومیان باب ۷ آیات ۱۵ تا ۲۵ را بخوانید. اساس آنچه که پولس در این آیات می گوید چیست که آنچه در رومیان باب ۸ آیه ۱ می گوید را بسیار اطمینان بخش می کند؟

اگر چه در عالم مسیحیت بحث بزرگی بر سر اینکه آیا پولس بویژه درباره خودش به عنوان یک ایماندار سخن می گفت، وجود دارد، یک چیز واضح است: در واقع پولس در مورد واقعیت گناه سخن می گوید. همه حتی مسیحیان می توانند به مبارزه ای که پولس در اینجا به آن اشاره می کند، مربوط شوند. چه کسی تاکنون کشش جسم و «گناهی که در ایشان ساکن است» را احساس نکرده است، که باعث می شود آنها کاری را که می دانند نباید انجام دهند، انجام داده و آن کاری را که باید انجام دهند، انجام نداده؟ برای پولس مشکل، احکام نیست بلکه مشکل، جسم ماست.

چه کسی خود را در شرایطی نیافته است که خواهان آنچه درست است باشد اما آنچه که نادرست است را انجام دهد؟ حتی اگر پولس در مورد ناگزیری گناه در زندگی مسیحی دوباره متولد شده در اینجا سخن می گوید، او مطمئناً به موردی قوی در زمینه مبارزه همیشگی که همه کسانی که به دنبال اطاعت از خدا هستند با آن روبرو می باشند، اشاره دارد.

بنابراین او به سخنان مشهورش می رسد: «من چه آدم بدبختی هستم! این بدن، مرا به سوی مرگ می کشاند. چه کسی می تواند مرا از دست آن آزاد سازد؟» (رومیان باب ۷ آیه ۲۴). پاسخ او در عیسی و وعده بزرگ «هیچ محکومیتی» برای ایمانداران به عیسی که با فیض مطابق با روح قدم بر می دارند، یافت می شود. آری، ایمانداران در تقلا هستند؛ آری، آنها با وسوسه روبرو هستند؛ آری، گناه واقعی است. اما با ایمان به عیسی، آنهایی که باور دارند دیگر توسط احکام محکوم نیستند؛ در حقیقت، آنها از آن اطاعت می کنند. از این رو، آنها می آموزند که مطابق با روح و نه جسم قدم بردارند.

آیات امروز را یکبار دیگر بخوانید. شما به چه روش هایی به آنچه که پولس در آنجا می گوید مرتبط می شوید؟ پس چرا رومیان باب ۸ آیه ۱ چنین وعده فوق العاده ای می باشد؟

۷ مه

دوشنبه

شریعت و گناه

در مطالعه دیروز ما به آیاتی (رومیان باب ۷ آیات ۱۵ تا ۲۵) پرداختیم که درباره واقعیت گناه برای همه حتی مسیحیان صحبت می کردند. با این وجود، در آیات پیش از اینها، پولس به احکام اشاره می کند که نشان می دهد گناه تا چه حد شایع و مرگبار می باشد.

رومیان باب ۷ آیات ۱ تا ۱۴ را بخوانید. رابطه میان احکام و گناه چیست؟ این آیات چه چیز دیگری در مورد غیرممکن بودن نجات یافتن بواسطه شریعت به ما می گویند؟

دو نکته مهم از آنچه پولس در اینجا تعلیم می دهد، بدست می آید. نخست، او نشان می دهد که مشکل احکام نیست. احکام «مقدس، عادلانه و خوب» می باشند. مشکل گناه است که به مرگ منتهی می شود. نکته دیگر این است که احکام قدرت نجات ما از گناه و مرگ را ندارد. احکام به مشکل گناه و مرگ اشاره می کند؛ در واقع، احکام مشکل گناه و مرگ را آشکارتر می سازد، اما برای حل مشکل کمکی ارائه نمی دهد. تنها یک خواننده سطحی می تواند از این آیات (در حالی که آیات بسیار دیگری را نادیده می گیرد) برای این استدلال که احکام یا ده فرمان منسوخ شده اند، استفاده کند. این مخالف نکته اشاره شده توسط پولس است. اگر شریعت منسوخ شده بود، هیچ کدام از مواردی که پولس در اینجا می نویسد مفهوم پیدا نمی کنند. استدلال او بر پایه این فرض که احکام همچنان الزام آور است عمل می کند، زیرا این احکام است که واقعیت گناه و در نتیجه نیاز به انجیل را مشخص می کند. «پس چه بگوییم؟ آیا احکام گناهکارند؟ به هیچ وجه! اگر احکام نبود، من گناه را نمی شناختم. مثلاً اگر احکام نگفته بود، طمع نکن، من هرگز نمی دانستم طمع کردن چیست» (رومیان باب ۷ آیه ۷).

رومیان باب ۷ آیه ۱۳ را با دقت بخوانید. پولس درباره احکام و نیز دلیل الزامی بودن آن چه چیزی می گوید؟

احکام منجر به مرگ نمی شود بلکه گناه، مرگ را به همراه دارد. احکام چیزی است که نشان می دهد گناه تا چه حد مرگبار می باشد. احکام خوب هستند و به گناه اشاره می کنند. تنها پاسخی برای آن ندارد. بلکه تنها انجیل دارای پاسخ است. منظور پولس این است ما به عنوان مسیحیان و کسانی که در مسیح نجات یافته ایم، باید در «تازگی روح» خدمت کنیم (رومیان باب ۷ آیه ۶)؛ یعنی، ما در رابطه ایمانی با عیسی زندگی می کنیم، و به شایستگی ها و عدالت او برای نجات خود اطمینان داریم (موضوع بخش هایی که قبل از رومیان آمده است).

تجربه خود شما در رعایت احکام چگونه نیازتان به فیض خدا را نشان داده است؟

۸ مه

سه شنبه

از سبت تا یکشنبه؟

ما به عنوان ادونتیست های روز هفتم اغلب می شنویم که برادر و خواهرهای مسیحی مان در فرقه های دیگر چنین استدلال می کنند که احکام دیگر الزام آور نیستند و یا اینکه ما نه تحت شریعت بلکه تحت فیض می باشیم. اگر چه، آنچه آنها واقعاً می گویند این است که تنها فرمان چهارم الزام آور نمی باشد. با این وجود، بسیاری حتی این را نمی گویند. آنها در عوض می گویند که روز هفتم ثبت برای مفتخر شمردن قیام عیسی با یکشنبه جایگزین شده است.

و آنها بر این باورند که آیاتی برای اثبات این را نیز دارند.

در زیر برخی از آیات رایج در عهد جدید را می بینید که بسیاری از مسیحیان معتقد هستند که اشاره به تغییر سبت از روز هفتم در عهد قدیم به روز اول هفته در عهد جدید دارد. همانطور که آنها را می خوانیم، باید از خود پرسیم آیا آنها حقیقتاً درباره تغییر روز سخن می گویند یا صرفاً وقایعی را توصیف می کنند که در آن روز اتفاق افتاد اما بدون رسیدن به سطحی مقرر نمودن یک تغییر؟

یوحنا باب ۲۰ آیات ۱۹ تا ۲۳ را بخوانید. این آیات چه دلیلی برای گرد هم آمدن حواریون در آن اتاق ارائه می دهند؟ این آیات چه چیزی درباره اینکه آیا مراسم عبادت به افتخار قیام عیسی بود همانطور که برخی ادعا می کنند، چه می گویند؟

اعمال رسولان باب ۲۰ آیات ۶ و ۷ را بخوانید. چه چیزی در این آیات نشان داد که سبت به روز یکشنبه اولین روز هفته تغییر یافت؟ اعمال رسولان باب ۲ آیه ۴۶ را نیز ببینید.

اول قرن‌تینان باب ۱۶ آیات ۱ تا ۴ را بخوانید. خارج از این واقعیت که آنها باید هدایا را در روز اول هفته در خانه ذخیره می‌کردند، چه چیزی درباره هر گونه تغییر سبت به یکشنبه تعلیم می‌دهند؟

در اینجا از خمیره متنی «گواه» یا دلیل استفاده گردیده که برای ترویج اصول تعالیمی است که روز اول هفته را جایگزین روز هفتم سبت نموده است. خارج از چندین بار توصیف اینکه ایمانداران به دلایل مختلف دور هم جمع شدند، حتی یکی از آیات به این اشاره ندارد که این تجمعات مراسم عبادت برگزار شده در روز اول هفته بجای روز هفتم سبت بوده اند. این استدلال صرفاً برداشت نمودن از آیات در مورد رسم مسیحیان قرن‌ها پیش به نگاه داشتن یکشنبه می‌باشد. این یعنی اضافه نمودن چیزی به این آیات که هرگز از ابتدا وجود نداشته است.

۹ مه

چهارشنبه

روز هفتم در عهد جدید

همانطور که دیروز دیدیم، این آیات معمولاً برای ترویج اینکه یکشنبه جایگزین سبت شده است، استفاده شده اند که در واقع چنین نیست. در واقع، هر اشاره ای به روز هفتم سبت در عهد جدید نشان می‌دهد که همچنان به عنوان یکی از ده فرمان خدا نگه داشته می‌شد.

لوقا باب ۴ آیات ۱۴ تا ۱۶ و باب ۲۳ آیات ۵۵ و ۵۶ را بخوانید. این آیات چه چیزی درباره روز هفتم سبت در قبل و بعد از مرگ مسیح به ما می‌گویند؟

توجه کنید که آن زن که با مسیح بوده است چگونه «در روز سبت به حسب حکم آرام گرفت» (لوقا باب ۲۳ آیه ۵۶). بدیهی است که فرمان چهارم بود که بر روی کوه سینا بر روی سنگ نوشته شده بود. پس هر آنچه آنها در زمانشان با عیسی فرا گرفته بودند، هیچ نشانه ای از اینکه آنها چیزی جز نگه داشتن فرمان‌های خدا از جمله سبت

را آموختند، وجود ندارد. در واقع، مسیح به حواریون خود گفت، «اگر مرا دوست دارید، احکام مرا نگاه دارید» (یوحنا باب ۱۴ آیه ۱۵). فرمان های او که خود نیز آنها را نگاه می داشت شامل روز هفتم سبت بودند. اگر قرار بود یکشنبه جایگزین سبت شود، این زنان چیزی در مورد آن نمی دانستند.

اعمال رسولان باب ۱۳ آیات ۱۴، ۴۲ تا ۴۴ و باب ۱۶ آیات ۱۲ و ۱۳ را بخوانید. این آیات چه مدارکی برای نگره داشتن روز هفتم سبت ارائه می دهند؟ چه شواهدی برای نگره داشتن روز اول هفته ارائه می دهند؟

ما در این آیات هیچ گواهی بر تغییر روز سبت به یکشنبه نمی یابیم. در عوض، آنها به وضوح به نگره داشتن روز هفتم سبت توسط ایمانداران اولیه به عیسی اشاره دارند. اعمال رسولان باب ۱۶ آیه ۱۳ بویژه جالب توجه است زیرا خارج از چهار چوب کنیسه رخ می دهد. مؤمنان در کنار رودخانه یکدیگر را ملاقات می کردند، جایی که بطور «مرسوم» به دعا می پرداختند. و آنها سال ها پس از مرگ عیسی نیز در روز هفتم سبت این کار را انجام می دادند. اگر تغییری به روز یکشنبه رخ داده بود، هیچ چیز در این آیات به آن اشاره ندارد.

برخی از روش های ملایم و بدون سرزنش که می توانید برای کسانی که روز یکشنبه را نگره می دارند در مورد روز سبت شهادت دهید، کدامند؟

مه ۱۰

پنجشنبه

اقدام به تغییر سبت

احکام خدا یعنی ده فرمان همچنان الزام آور است (یعقوب باب ۲ آیات ۱۰ تا ۱۲ را نیز ببینید)، و آن احکام شامل روز هفتم سبت می شود. پس چرا بسیاری از مسیحیان با وجود اینکه هیچ توجیهی بر پایه کتاب مقدس برای آن وجود ندارد، یکشنبه را نگره می دارند؟ باب ۷ کتاب دانیال در مورد قیام چهار امپراتوری بزرگ می گوید: بابل، مادها و پارس ها، یونان و سپس روم، چهارمین و آخرین امپراتوری زمینی. در مرحله دوم امپراتوری روم، بیرون آمدن قدرت یک شاخ کوچک از این امپراتوری به تصویر کشیده شده است. این همچنان بخشی از امپراتوری روم اما در مرحله بعدی آن می باشد. این قدرت چه چیز دیگری غیر از مقام پاپی که مستقیماً از امپراتوری روم برخاست و امروزه همچنان بخشی از آن است، می توانست باشد؟ توماس هابز (Thomas Hobbes) در دهه های ۱۶۰۰ چنین نوشت: «اگر فردی

اصل این سلطه کلیسای بزرگ را در نظر بگیرید، براحتی درک خواهد کرد که قلمرو پاپ چیزی جز روح امپراتوری از بین رفته روم نیست که بر سر قبر با تاج نشسته است.»
— Thomas Hobbes, *Leviathan*, (Oxford: Oxford University Press, 1996), p. 463

دانیال باب ۷ آیات ۲۳ تا ۲۵ را بخوانید. این آیات چه چیزی می آموزند که به ما در درک ریشه های نگه داشتن یکشنبه کمک می کند؟

زبان اصلی، زبان آرامی، در آیه ۲۵ نشان می دهد که قدرت شاخ کوچک «قرار بود» احکام را تغییر دهد. در واقع، کدام قدرت زمینی می تواند احکام خدا را تغییر دهد؟ اگرچه جزئیات دقیق در تاریخ نامشخص می باشند، ما می دانیم که تحت سلطنت روم پاپی، روز سبت با سنت نگه داشتن روز یکشنبه جایگزین شد، سنتی که چنان بطور قطعی تثبیت شد که اصلاحات پروتستان این سنت را حتی در قرن بیست و یکم زنده نگه داشت. امروزه بسیاری از پروتستان ها بجای پیروی از فرمان کتاب مقدس مبنی بر نگه داشتن روز هفتم، همچنان روز اول هفته را نگه می دارند.

مکاشفه یوحنا باب ۱۳ آیات ۱ تا ۱۷ را بخوانید و آنها را با دانیال باب ۷ آیات ۱ تا ۸، ۲۱، ۲۴ و ۲۵ مقایسه کنید. چه تصویرسازی مشابهی در این آیات استفاده شده است که به ما در درک وقایع پایان زمان کمک می کند؟

کتاب مکاشفه یوحنا با استفاده مستقیم از تصویرهای کتاب دانیال، از جمله تصویر مربوط به مرحله ثانویه (پاپی) روم، به جفاهای آخر زمان اعمال شده بر کسانی که از عبادت بر اساس دستورات قدرت های دیده شده در کتاب مکاشفه یوحنا دیده می شوند، اشاره دارد.

مکاشفه یوحنا باب ۱۴ آیات ۶ و ۷ — بویژه آیه ۷، که زبان برداشت شده از فرمان چهارم را منعکس می کند (خروج باب ۲۰ آیه ۱۱) — چگونه به نشان دادن اینکه سبت در بحران روزهای پایانی عبادت کردن بسیار حیاتی خواهد بود، کمک می کند؟

تفکری فراتر: همان اژدها، شیطان که در آسمان علیه خدا جنگ براه انداخت (مکاشفه یوحنا باب ۱۲ آیه ۷) همان کسی است که با قوم خدا بر روی زمین، کسانی که

«فرمان های خدا را نگه می دارند» (مکاشفه یوحنا باب ۱۲ آیه ۱۷؛ باب ۱۳ آیات ۲ و ۴ را نیز ببینید) جنگ براه می اندازد. در واقع، شیطان خود نیز تبدیل به یک معبود می شود (مکاشفه یوحنا باب ۱۳ آیه ۴). بنابراین مبارزه علیه خدا که شیطان در آسمان براه انداخت، او بدنبال ادامه دادن آن بر روی زمین می باشد. و در مرکزیت حمله او به خدا، حمله به شریعت خدا می باشد.

«خدا در فرمان چهارم به عنوان خالق آسمان ها و زمین نمایان می شود و در نتیجه از تمام خدیان دروغین متمایز می باشد. این به عنوان یادبودی از کار خلقت بود که روز هفتم به عنوان روز استراحت برای بشر تقدیس شد. این روز چنین طراحی شد که خدای زنده را برای همیشه در ذهن بشر به عنوان منبعی از بودن و مقصود احترام و عبادت نگه دارد. شیطان در تلاش است که انسان ها را از وفاداریشان به خدا و مطیع احکام بودن دور کند؛ از این رو، او بخصوص تلاش هایش را علیه آن فرمان می کند که به خدا به عنوان خالق اشاره دارد.» — الن جی. وایت، Ellen G. White, *The Great Controversy*, pp. 53, 54

ما خداوند را عبادت می کنیم زیرا او خالق «آسمان ها و زمین» است و روز هفتم سبب نشانه بنیادین خلقتش می باشد، نشانه ای به خود هفته خلقت برمی گردد (پیدایش باب ۲ آیات ۱ تا ۳ را ببینید). جای تعجب نیست که شیطان در حمله خود به اقتدار خدا، بدنبال نشانه اصلی و اساسی آن قدرت می رود: روز هفتم سبت.

خدا در روزهای پایانی، بر روی زمین مردمی خواهد داشت که در وفاداریشان به او محکم و پا برجا خواهند بود، وفاداری که در اطاعتشان از فرمان های او — همه آنها از جمله فرمانی که به خداوند به عنوان خالق که تنها ارزش عبادت را دارد، اشاره دارد — آشکار می شود.

سوالاتی برای بحث

۱. مشکل کسانی که در مورد واقعیت گناه صحبت می کنند و با این حال چنین استدلال می کنند که احکام خدا دیگر الزام آور نیست، چه می باشد؟ چه تناقض بزرگی در این خط استدلال می توانید بیابید؟
۲. تجربه شما با کسانی که به جای سبت برای یکشنبه استدلال می آورند، چه بوده است؟ شما از چه استدلال هایی استفاده نمودید و تا چه حد مؤثر بودند؟ چگونه می توانید با این استدلال رایج که نگه داشتن روز هفتم سبت تلاشی برای بدست آوردن نجات از طریق اعمال می باشد، روبرو می شوید؟
۳. همانطور که با دیگران در مورد سبت صحبت می کنیم و برای وقایع پایان جهان آماده می شویم، چرا مهم است مشخص کنیم که چالش های مربوط به نشانه وحش هنوز واقع نشده اند؟



از اشتیاق تا شفقت

توسط اندرو مک چرنی، تبلیغ دینی ادونتیست

ادسون اسمیت، کوچکترین میان چهار پسر خانواده، توسط والدینی ادونتیست بزرگ شد که علاقه‌شان برای بنیانگذار کلیسا، الن جی. وایت باعث شد نام او را مانند پسر الن جی. وایت، ادسون بگذارند.

اما اسمیت رابطه ای شخصی با عیسی برقرار نکرد.

او گفت، «گاهی شما در کلیسا رشد می‌کنید، اما در مسیح خیر.»

او به عنوان یک فرد بالغ جوان در زادگاهش در بندر اسپانیا در کشور کارائیب ترینیداد و توباگو دارای اعتماد به نفس پایینی بود. او در مهمانی‌ها و خوشگذرانی‌ها شرکت می‌کرد. به خودکشی فکر کرد. اما سپس قول کودکانه به خدا مبنی بر خواندن روزانه کتاب مقدس را به یاد آورد.

اسمیت شروع به حضور یافتن در کلیسا به طور مرتب نمود و تعمیم داده شد. او با یک ادونتیست جوان که مانند خودش اشتیاق داشت که عیسی را با جوانانی که همچنان به پارتی رفتن علاقه دارند، به مشارکت بگذارد دوست شد. آن‌ها با هم شروع به درمیان گذاشتن داستان زندگی خود در خیابان، ایستگاه اتوبوس و حتی اتوبوس‌های در حال حرکت نمودند.

اسمیت که اکنون ۳۶ ساله است، گفت: «من هرگز نمی‌دانستم که خدا مرا بلند خواهد کرد تا بشارت دهنده‌ای سیار باشم.»

اسمیت این مأموریت نوپا را با توجه به رؤیای حزقیال از دره‌ای از استخوان‌های خشک در حزقیال باب ۳۷ آیات ۱ تا ۱۴، انجیل به استخوان‌ها نامید. اسمیت گفت که خدا او را پس از مردن در گناه به زندگی باز گرداند، درست همانطور که خدا در حزقیال درباره زنده کردن استخوان‌ها سخن گفت. اسمیت گفت که پس از دوران جوانی دشوار، با چالش غلبه بر گناه جنسی روبرو شد. او ساعت‌ها را صرف فریاد برآوردن نزد خدا و مطالبه وعده‌های کتاب مقدس نمود. بخش‌های مورد علاقه، رومیان باب ۸ و همچنین یوحنا باب ۸ آیات ۳۴ تا ۳۶ بودند، جایی که عیسی می‌گوید، «یقین بدانید که هر کسی که گناه می‌کند برده‌گناه است و برده همیشه

در میان اهل خانه نمی‌ماند ولی پسر همیشه می‌ماند. پس اگر پسر، شما را آزاد سازد واقعاً آزاد خواهید بود.»

اسمیت گفت، «خدا در زندگی من کاری انجام داد و اگر او می‌تواند مرا تغییر دهد، قادر است هر کس دیگری را نیز تغییر دهد. شما مجبور نیستید دزد، عضو باندی خلافکار، همجنس‌گرا یا خودارضا از دنیا بروید. عیسی نیامد تا عادلان را فراخواند. او آمد تا گناهکاران که من پیشرو ایشان هستم را فراخواند. من خدا را برای این شکر می‌کنم.»

او گفت که غریبه‌ها معمولاً با علاقه به حرف‌هایش گوش می‌دهند، اگر چه گاهی بدلیل موعظه کردن مورد تمسخر قرار گرفته و از اتوبوس بیرون انداخته شده است. او و همکارانش همچنین در دبیرستان‌ها و کلیساها صحبت می‌کنند.

او گفت، «ما سال‌های خوشگذرانی خود را به یاد می‌آوریم. می‌خواهیم شاد باشیم و از ترویج انجیل شرمگین نباشیم.»
برای مطالعه بیشتر در مورد ادسون اسمیت (در تصویر با رهبران انجیل برای استخوان‌ها) به مطلب هفته قبل مراجعه کنید.